

همراه با بانوی هنرمند محله الهیه که با ترمیم وسایل قدیمی امکان استفاده مجدد از آن‌ها را فراهم می‌کند

هنر جان بخشی به اشیای قدیمی

سیدی - شاید امروز عجیب به نظر بیاید، اما در روزگاری نه چندان دور شغل‌هایی چون رنگ‌رزی و رفوگری رواج خوبی داشت و اصولاً تعمیر و استفاده مجدد از وسایل هم امری بسیار عادی بود. آن روزها مثلاً یک پالتور آن قدر می‌پوشیدند تا رنگ رویش برود، اما صاحبش از رونمی‌رفت و آن را پیش رنگ‌رزی می‌برد و با یک رنگ ساده، چندین سال دیگر هم از آن استفاده می‌کرد تا وقتی که دیگر تار و پود پالتوکنار هم تاب نمی‌آورد و صاحبش را وادار به خرید مجدد می‌کرد. جوراب‌ها که بی‌برویر گرد، مدت‌ها رفو می‌شد. سر زانوی شلوارها هم وصله می‌خورد. اسباب و وسایل خانه هم به همین منوال بود. شاید هنوز اسباب و کمد‌های شصت‌ساله و بیشتر را بتوان در خانه مادرها و مادر بزرگ‌ها یافت. قدیمی‌ها اعتقاد زیادی به دور ریختن وسایل نداشتند. برخلاف بسیاری از ماکه به محض اینکه یک کالا دلمان را زد، با وجود اینکه هنوز کارایی دارد، آن را دور می‌اندازیم. قناعت یا کمبود، یا بی‌کیفیتی هر چه می‌خواهید نامش را بگذارید، این شیوه زندگی آن روزها بود که حالا عوض شده است. در این روزگار جدید که تب نوگرایی همه را فرا گرفته، یکی از ساکنان محله الهیه تصمیم گرفته است تعمیر و تغییر وسایل قدیمی را برای استفاده مجدد به عنوان شغل بی‌بگیرد.



تا بلو درست می‌کنم و...»

باید سبک زندگی مان را تغییر دهیم

یکی از اصول مهمی که به نظر مهناز اشراقی باید تغییر کند، سبک زندگی امروز است. او می‌گوید: «منی خواهم شعار بدهم، اما به نظرم این شیوه زندگی به شدت مشکل دارد و برای آینده کره زمین هم خطرناک است. این سبک زندگی مصرف‌گرایانه، جلوی پیشرفت بشر را می‌گیرد و باعث می‌شود همه عمر ما، تنها صرف تولید وسایل مصرفی پیش پا افتاده شود. از آن سو خلاف اقتصاد مقاومتی نیز هست و به شدت به خانواده‌ها فشار می‌آورد و ما را مصرف‌گرا بار می‌آورد.» البته کیفیت پایین و نامناسب اجناس امروزی هم موضوعی نیست که اشراقی بتواند آن را انکار کند، او می‌گوید: «قبول دارم که کیفیت اجناس امروزی دیگر مثل قدیم نیست و نمی‌توان برای زمانی طولانی از آن‌ها استفاده کرد؛ به عنوان مثال من الان در خانه خودم، وسایلی دارم با عمر شصت‌ساله و بیشتر که هنوز به خوبی کار می‌کنند اما مطمئناً از کالاهای امروزی نمی‌توان چنین توقعی را داشت. پیشنهاد من به افرادی که دوست دارند جنس باکیفیت و با قیمت پایین داشته باشند، این است که از سمساری‌ها جنس خوب بخرند. بعد می‌توان آن را با هنرهای مختلف تغییر داد و زیباتر کرد.»

تا به دل خودم ننشیند، دست از تغییر نمی‌کشم

تغییرات انجام شده روی اجناس قدیمی، متفاوت است و به موضوعات مختلفی چون میزان هزینه، سلیقه مشتری و البته نیاز آن کالا بستگی دارد. اشراقی در همین باره می‌گوید: «تغییرات بستگی به سلیقه مشتری دارد. برخی مشتری‌ها برایشان هزینه مهم است و سقف تعیین می‌کنند که تا فلان قدر تغییرات انجام بده. برخی دیگر خودشان طرح دارند و

ترتیب به صرفه‌تر از کارهای بازاری می‌شد و به قول خودشان، خاص هم بود.»

اندر فواید تعمیر و تغییر وسایل قدیمی

او مخالف جنس نو خریدن نیست اما با تب نوگرایی مخالف است. می‌گوید: «این روزها مردم به محض اینکه یک چیزی دلشان را زد، با وجود اینکه هنوز کارایی دارد، آن را دور می‌اندازند و به سرعت وسیله‌ای جدید جایگزینش می‌کنند. آری، تغییر در زندگی لازم است اما این تغییر را می‌توان با هزینه‌ای بسیار کمتر انجام داد، و لو با یک رنگ ساده یا پتینه و دکوپاژ. این کار، هم از لحاظ اقتصادی به صرفه است و هم سلیقه خاص را جذب می‌کند. برخی مشتری‌ها هم از لحاظ مالی هم مشکلی ندارند اما وسایلشان را دوست دارند و دلشان می‌خواهد آن را حفظ کنند، بنابراین از من می‌خواهند ظاهر آن را قدری تغییر دهم و نو کنم.»

هر چیز که خراب آید، روزی به کار آید

دور انداختن یکی از وسایل مهناز اشراقی بسیار زمان‌بر است. او تا جایی که می‌تواند، با تغییر کاربری وسایلش را تغییر می‌دهد و آن را حفظ می‌کند. می‌گوید: «من برخلاف بسیاری از خانم‌ها اهل خرید نیستم، حتی اگر چیزی لازم داشته باشم، خیلی علاقه‌ای به بازار رفتن ندارم و ترجیح می‌دهم همسرم آن کالا را برایم بخرد؛ به همین خاطر کمتر پیش می‌آید وسیله‌ای را بیرون بیندازم. معمولاً اجناسی را که احساس می‌کنم ممکن است جایی به درد بخورد، نگه می‌دارم و بالاخره جایی از آن استفاده می‌کنم، مگر اینکه دیگر خیلی کهنه شده باشد و چیزی هم به ذهنم نرسد که با آن درست کنم.» برخی اجناسی که اشراقی تغییر می‌دهد، بدین شرح است: «من بافتنی زیاد می‌کنم. کاموهای ریز را نگه می‌دارم و با آن پادری درست می‌کنم یا با تکه‌های پارچه،

به آن‌ها بدم و دوباره ازشان استفاده کنم. اول وسایل را تعمیر و ایرادهایش را برطرف کردم. بعد رویش کمی «پتینه» کار کردم و کمی هم «دکوپاژ». خودم خوشم آمد. بعد از آن دوستان و آشنایانی که به منزل می‌آمدند، نظرشان به وسایل جدید جلب می‌شد و آن‌ها را خاص و زیبا توصیف می‌کردند.»

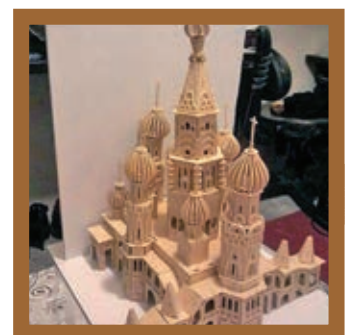
دوستان و آشنایان، دومین مشتری‌های من بودند

بعد از این تشویق‌ها اشراقی برای ادامه کار مشتاق می‌شود. او در مرحله دوم به سراغ وسایل قدیمی مادر و مادر بزرگش می‌رود: «اگر مادر یا مادر بزرگم می‌خواستند وسیله‌ای را دور بیندازند، من می‌گرفتم و رویش طراحی می‌کردم. وقتی دوباره آن وسیله طراحی شده را به خودشان می‌دادم، باورشان نمی‌شد. دیدن وسایل منزل خودم، مادر و مادر بزرگم، کم‌کم دوستان و آشنایانی را که به خانه‌مان تردد می‌کردند، هم مشتاق به این کار کرد. بعد از آن چند نفری از اقوام درخواست دادند که وسایل آن‌ها را هم تزئین کنم. آن‌ها به دوستانشان نشان دادند و کم‌کم تعداد کسانی که سفارش می‌دادند، بیشتر می‌شد و این کار از دایره فامیل و دوستان فراتر می‌رفت. حتی برخی برای جهیزیه می‌رفتند کارهای چوبی خام و ساده می‌گرفتند و من درست می‌کردم. به این



از وسایل خودم شروع کردم

مهناز اشراقی سی و دو ساله، هنرش را صرف جان بخشی به اشیای قدیمی کرده است. او که به تمام زمینه‌های هنری علاقه‌مند است و کم‌وبیش دستی نیز بر آن‌ها دارد، ماجرای شروع به تعمیر و تغییر وسایل قدیمی را چنین شرح می‌دهد: «یک سری وسیله قدیمی داشتم که اول می‌خواستم ببیند از مشان بیرون و وسایل جدید بخرم اما هم از لحاظ اقتصادی هزینه‌اش زیاد می‌شد و هم اینکه وسایلم را دوست داشتم و به جز چند ایراد جزئی هنوز قابل استفاده بود. چیزهایی هم که در بازار پیدا می‌کردم، خیلی باب میل نبود و حتی کیفیت آن از وسایل قدیمی خودم پایین‌تر بود، بنابراین تصمیم گرفتم کمی رنگ و لعاب



اگر مادر یا مادر بزرگم می‌خواستند وسیله‌ای را دور بیندازند، من می‌گرفتم و رویش طراحی می‌کردم. وقتی دوباره آن وسیله طراحی شده را به خودشان می‌دادم، باورشان نمی‌شد.